

شخصیت‌شناسی شمر بن ذی‌الجوشن و نقش او در مصائب کربلا

دکتر محمد رنجبرحسینی^۱

محبوبه خسروی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۹۹/۵/۱۱

چکیده

شمر بن ذی‌الجوشن یکی از افرادی است که در جریان قیام امام حسین علیه السلام مرتکب جنایاتی شد و به بدنامی و بدفرجامی به عنوان قاتل امام حسین علیه السلام در تاریخ ثبت شده است. این فرد دارای فراز و فرودهای شخصیتی است. نوشتار پیش رو با روش توصیفی و شیوه کتابخانه‌ای به شخصیت‌شناسی وی و نقش او در جنایات و مصائب کربلا به‌ویژه روز عاشورا پرداخته است. **کلیدواژه‌ها:** امام حسین علیه السلام، شمر بن ذی‌الجوشن، روز عاشورا، مصائب کربلا.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث (ranjbarhosseini@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد علوم و معارف نهج البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)

مقدمه

هدایت و راه‌یابی برای طی کردن مسیری که انسان را به سعادت برساند، به‌طور فطری در انسان وجود دارد. در کنار این امر فطری، عوامل زیادی وجود دارد که می‌تواند مایه گمراهی او گردد. علل و عواملی که مانع رسیدن انسان به مقامی که شایسته آن است می‌شود و او را از راه حق باز می‌دارد، گاهی مربوط به خود اوست و گاه مربوط به اجتماع و محیط پیرامون وی است. انسان در درگیری‌های اجتماع همواره با انواع و اقسام آزمایش‌ها روبه‌روست. چنان‌چه فرد نتواند به درستی راه درست را تشخیص دهد، به فرجام بدی دچار خواهد شد.

در دوران حکومت امام علی علیه السلام با توجه به تحولات سیاسی آن زمان، افراد گرفتار انحرافات و شبهات شدند و نتوانستند مسیر حق را به دلیل فاصله گرفتن از اسلام ناب تشخیص دهند و سرانجام به سرنوشت سوء دچار گردیدند. شمر بن شریحیل (ذی‌الجوشن) بن اَعُوْر بن عمرو، یکی از این افراد است که زندگی‌اش دارای فراز و فرودهایی است. فردی که او را به یکی از بدنام‌ترین انسان‌های روی زمین تبدیل کرد و ملعونِ انس و جنّ نمود. بررسی شخصیت و جنایات وی می‌تواند از باب عبرت و پندآموزی برای حقیقت‌جویان مفید باشد.

مقاله پیش‌رو به شخصیت‌شناسی و نقش او در فجایعی که در قیام امام حسین علیه السلام به ویژه در روز عاشورا مرتکب شده، پرداخته است.

شخصیت‌شناسی شمر بن ذی‌الجوشن

او ابوسابغه، شمر بن ذی‌الجوشن، ضباب بن کلاب بن ربیعه بن عامر بن صعصعه بن معاویه بن بکر بن هوازن بن منصور است (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۸۸/۲۳).

وی از تابعین و رؤسای قبیله هوازن از تیره بنی عامر بن صعصعه و از خاندان ضباب بن کلاب به شمار می‌رود (ابن عبدربه، ۱۴۱۶: ۳/۳۰۶). تاریخ ولادت او به درستی مشخص نیست. امام حسین علیه السلام مادرش را در واقعه کربلا، پسرزن بزچران خطاب کرده است (مفید، ۱۳۶۹: ۲/۹۶). سرانجام وی پس از ارتکاب جنایات متعدد، در سال

۶۶ هجری به دست یاران مختار ثقفی به هلاکت رسید (بلاذری، ۲۰۰۰: ۵۸/۶).

خوارزمی در وصف شمر می نویسد:

[شمر] از نقش آفرینان اصلی جنایات کربلاست. اوزشت رو و زشت کردار بود.

(خوارزمی، ۱۴۱۸: ۴۱/۲)

دوران مثبت زندگی شمر بن ذی الجوشن

همراهی با حضرت علی علیه السلام

شمر در دوران حکومت ابوبکر نقش چندانی نداشت؛ زیرا هر چند او را از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله بدانیم، در آن دوران سن چندانی نداشته است که بتواند نقش مهم و سرنوشت سازی بر عهده گیرد. در دوران عمر و عثمان نیز تا جایی که نگارنده اطلاع دارد، نامی از شمر در تاریخ ثبت نشده است. با کشته شدن عثمان در سال ۳۵ هجری، علی بن ابی طالب علیه السلام به خلافت برگزیده شد. آن حضرت، کوفه را به عنوان پایتخت حکومت خویش برگزید و در آن جا ساکن شد. با آمدن خلیفه به کوفه، شمر که از سران و بزرگان کوفه به شمار می آمد، نزد حضرت رفت و در جنگ ها و درگیری ها در رکاب امیرالمؤمنین علی علیه السلام حضور یافت. شمر در جنگ صفین حاضر بود. او در این جنگ به دلیل درگیری با ادهم بن محرز باهلی، به سختی مجروح شد، به گونه ای که ادهم با شمشیر، استخوان پیشانی وی را شکافت. شمر نیز به عنوان انتقام، نیزه ای به او زد و او را از اسب به زیر افکند. با این حال ادهم با کمک شامیان از مرگ رهایی یافت (نصر بن مزاحم، ۱۳۷۰: ۳۶۶).

دوران منفی زندگی شمر بن ذی الجوشن

۱. در مقابل امام علی علیه السلام

پایان جنگ صفین، آغاز انحراف گروهی به ظاهر مسلمان به نام خوارج بود. هسته های نخستین این گروه منحرف که به «خوارج نهروان» و «مارقین» معروف بودند، با شعار «لا حکم الا لله» به مرحله ظهور رسید. نام بعضی از سران و افراد این جنبش، در

مصادر تاریخی به ثبت رسیده است، ولی در هیچ یک، نام شمربن ذی الجوشن در شمار این افراد دیده نشده است. تنها در کتاب صلح الحسن علیه السلام چنین آمده است:

سرکردگان خوارج در کوفه عبارت بودند از: عبدالله بن وهب الراسبی، شیث بن ربیع، عبدالله بن الکواء، الاشعث بن قیس و شمربن ذی الجوشن. (آل یاسین، ۶۰: ۱۴۱۰)

امام حسن مجتبی علیه السلام هنگام وفات به برادرش حسین علیه السلام فرمود:

همانا پدرم علی علیه السلام پس از جنگ صفین در خطبه ای، خبر شهادت من و تورا به مردم داد. اشعث بن قیس که در مجلس حضور داشت، برخاست و گفت: اخباری را می گویی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز آن را ادعا نکرده است! این علوم را از کجا به دست آورده ای؟ پدرم پاسخ داد: ای آتش بیار معرکه! همانا پسر، محمد بن اشعث نیز از قاتلان حسین علیه السلام است. به خدا سوگند! شمربن ذی الجوشن و شبث بن ربیع و زبیدی و عمرو بن حرث نیز از آنان هستند. (ابن حمدان، ۱۳۷۷: ۱۸۴/۱)

آن حضرت، در این خطبه نیز شماری از خوارج را نام برده و شمرا را نیز در ردیف آنان آورده است. شاید مقصود ایشان این بوده است که بگویند شما خوارج که ادعای دین داری دارید، فرزند دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را خواهید کشت.

پس از آن، شمردر شمار اطرافیان معاویه شد. شیخ مفید چنین می نویسد:

معاویه، نامه ای برای امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرستاد. حضرت نیز پاسخ آن نامه را نوشت و به دست طرمح بن عدی طایبی به دمشق فرستاد. وی پس از آن که به شام رسید، پرسید: فرماندهان معاویه کجایند؟ به او پاسخ دادند: کدامشان را می خواهی؟ گفت: ابوالاعور اسلمی، عمرو عاص، شمربن ذی الجوشن و هدی بن محمد بن اشعث کندی را می خواهم. (مفید، ۱۴۱۳: ۱۳۹)

در این خبر، شمربا صراحت در شمار متصدیان لشکر معاویه قرار گرفته است و این خود، گواهی روشن بر روحیه فرصت طلبی اوست. پس از این دوران، شمربا روی آوردن به امویان، به طور آشکار در صف مخالفان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام قرار گرفت.

۲. نفوذی در سپاه امام حسن علیه السلام

با شهادت علی علیه السلام شمر در رکاب امام مجتبی علیه السلام و در برابر معاویه قرار گرفت. این مسئله را به دو گونه می توان تفسیر کرد؛ ممکن است او به دلیل روحیه فرصت طلبی خویش، وضعیت را چنان دیده که با امام حسن علیه السلام بیعت کند و به لشکر او درآید. همچنین ممکن است وی از نیروهای نفوذی ستون پنجم معاویه در لشکر امام علیه السلام بوده که جز کارشکنی، سودی برای حضرت نداشتند. شیخ محمد جواد مغنیه - از عالمان و مفسران شیعه اهل لبنان در قرن چهاردهم هجری - می نویسد:

بسیاری از افرادی که در قتل امام حسین علیه السلام شرکت داشتند، در زمان امام حسن علیه السلام در رکاب او بودند و پیش از صلح، مایه از هم پاشیدگی لشکر ایشان شدند. از آن جمله، شمر بن ذی الجوشن است. (مغنیه، ۱۴۲۱: ۶۲)

۳. شهادت دروغ در قتل حجر بن عدی

شمر هنگام دستگیری حجر بن عدی - از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله و از یاران علی علیه السلام - در سال ۵۱، جزو کسانی بود که نزد زیاد بن ابیه به دروغ شهادت داد که حجر مرتد شده و شهر را به آشوب کشیده است. (طبری، ۱۳۸۷: ۵/۲۷۰)

۴. مشارکت در قتل مسلم بن عقیل

وقتی مسلم بن عقیل در سال ۶۰ هجری از سوی امام حسین علیه السلام به کوفه رفت، شمر از جمله افرادی بود که از سوی عبیدالله بن زیاد - حاکم کوفه - مأمور شد مردم را از اطراف مسلم پراکنده سازد. (مفید، ۱۴۱۴: ۲/۵۲)

۵. تحریک ابن زیاد برای جنگ با امام حسین علیه السلام

پس از آن که امام حسین به کربلا رسید، عمر بن سعد قصد جلوگیری از جنگ و خونریزی داشت و به دنبال راه حلی مسالمت آمیز بود؛ اما شمر، ابن زیاد را که به نظر می رسید با قصد عمر بن سعد موافق است، به جنگ با امام تشویق کرد. وقتی عمر بن سعد نامه شمر را خواند، گفت:

چیست تو را؟ وای به حال تو! خدا آواره ات کند و زشت گرداند. آن چه برای من آورده ای، به خدا من گمان دارم همانا تواز او جلوگیری کرده از این که پیشنهادی که من برایش نوشته بودم بپذیرد و کاری را که ما امید اصلاح آن را داشتیم بر ما تباه ساختی. به خدا حسین تسلیم کسی نشود؛ همانا جان پدرش [علی] در سینه اوست [و او کسی نیست که تن بخواری دهد]. شمر گفت: اکنون بگو چه خواهی کرد؟ آیا فرمان امیر را انجام می دهی و با دشمنش می جنگی؟ وگرنه به کناری برو و لشکر را به من واگذار. عمر بن سعد گفت: نه چنین نکنم و امارت لشکر را به تو واگذارم و خود انجام دهم و تو امیر بر پیادگان باش. (همو: ۹۱)

۶. حيله برای جدا کردن حضرت عباس از سپاه امام حسین علیه السلام

شیخ مفید در این باره نوشته است:

عمر بن سعد پسین روز پنجم نهم محرم برای جنگ به سوی حسین علیه السلام برخاست و شمر آمد تا برابر همراهان حسین علیه السلام ایستاد و گفت: فرزندان خواهر ما^۱ کجایند؟ ابوالفضل العباس، جعفر، عبدالله و عثمان - فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام بیرون آمدند و گفتند: چه میخواهی؟ گفت: شما ای خواهرزادگان! در امانید. آن جوانمردان به او گفتند: خدا تو را و امانی که برای ما آورده ای لعنت کند؛ آیا به ما امان می دهی و فرزند رسول خدا امان ندارد؟ (مفید، ۱۴۱۴: ۲/۹۱)

۷. زخم زبان و اهانت های شمر در حادثه عاشورا

پس از آن که امام علیه السلام برای تذکر به سپاه کوفه خطبه ای در سابقه درخشان خاندانش و بیاناتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد دوستی اهل بیت آغاز نمود، شمر کلام امام را قطع کرد و بی ادبی نمود اما حبیب بن مظاهر به او پاسخ دندان شکنی داد (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۲۵/۵) یک بار دیگر زمانی که زُهر بن قین، از یاران امام، به پند و اندرز کوفیان پرداخت آنان را به یاری امام حسین دعوت کرد، شمر به سوی او تیری پرتاب نمود و به او اهانت کرد

۱. مقصود چهار پسر ام البنین - برادران حضرت سید الشهداء علیه السلام - است که چون مادرشان ام البنین از قبيله بنی کلاب و با شمر هم قبيله بود، برای حفظ سنت قبيله ای و پیوندهای جاهلی، آنان را خواهرزاده خطاب کرد.

(همان)

یک بار دیگر در عصر عاشورا و قبل از شهادت امام حسین، شمر قصد داشت به خیمه گاه حضرت حمله کند که امام او را از این کار بر حذر داشت و شمر بازگشت (همان)

۸. دستور به شهادت ام وهب همسر عبدالله بن عمیر کلبی

پس از شهادت عبدالله، همسرش ام وهب خود را به بالین او رساند و در حالی که سرو صورت عبدالله را پاک می کرد رستم غلام شمر بن ذی الجوشن به دستور شمر او را به شهادت رساند گفته اند او نخستین زن شهید در واقعه کربلا (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۳۸/۵)

۹. شهادت نافع بن هلال توسط شمر

عمر بن سعد به شمر دستور داد تا نافع بن هلال را بکشد نافع به شمر گفت: «به خدا قسم ای شمر! اگر تو از مسلمین باشی بر تو سخت خواهد بود که خدا را ملاقات کنی، در حالی که خون های ما را برگردن داشته باشی. خدا را سپاس می گویم که مرگ ما را به دست بدترین خلقش، قرار داد!» سپس به دست شمر به شهادت رسید (طبری، ۱۳۸۷ق: ۴۴۲/۵)

۱۰. شهادت امام حسین علیه السلام

شمر به تیراندازان دستور داد تا بدن امام را هدف قرار دهند (مفید، ۲: ۱۴۱۴/۱۱۱) سپس با فرمان او، همه به سوی امام حمله بردند و کسانی از جمله سنان بن انس و زُرْعَة بن شریک ضربه های نهایی را بر امام وارد کردند
در احوال «شمر بن ذی الجوشن» آمده است که: چون او امام حسین را به قتل می رسانید، حضرت فرمود: آیا مرا می شناسی؟ شمر جواب داد: آری، سپس آنساب او را بر شمر داد! امام حسین فرمود: حالاکه مرا خوب می شناسی، چرا اقدام به قتل من نموده ای؟ آن ملعون جواب داد: اگر من تو را نکشم، چه کسی جایزه یزید را بگیرد؟! امام حسین فرمود: ای شمر! جایزه یزید را بیشتر دوست داری یا شفاعت جدم رسول خدا را؟ او گفت: یک دانق (۱۶ درهم) جایزه یزید در نزد من از تو و جدت رسول خدا بالاتر است. (قندوزی، ۱۳۹۲ق: ۸۳/۳)

درباره کسی که سر امام حسین را از تن جدا کرد، روایات گوناگونی وجود دارد که در برخی از آنها از شمر نام برده شده است. به گفته واقدی، شمر امام حسین را کشت و با اسب خود بدن آن حضرت را لگدکوب کرد. در برخی روایات گفته شده است که وی بر سینه امام نشست و سراورا از قفا جدا کرد. (مفید، ۲: ۱۴۱۴/۱۱۷)

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا به شمر گفت: «رسول خدا راست گفت که گویا سگ سیاه و سفیدی را می بینم که خون اهل بیت را می آشامد». (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۱۸۹/۲۳)

۱۱. توهین به اهل خيام

پس از شهادت امام حسین علیه السلام و غارت و آتش زدن خیمه ها، شمر قصد داشت امام سجاد علیه السلام را که در بستری بیماری بود به قتل رساند، اما عده ای مانع او شدند. (طبری، ۱۳۸۷: ۴۲۲/۵)

در نقلی دیگر، پس از شهادت بسیاری از اصحاب امام حسین علیه السلام دشمنان به سوی خیمه ها حمله بردند. شمر نیزه خود را در خیمه امام حسین فرو برد و فریاد زد: آتش بیاورید تا این خیمه را با اهلش بسوزانم. امام او را نفرین کرد و حتی شَبَث بن ربعی نیز او را سرزنش نمود (مجلسی، ۱۴۱۶: ۱۲۷/۴۵)

۱۲. اهانت به اهل بیت امام حسین علیه السلام در اسارت

ابن سعد دستور داد سر ۷۲ تن شهدای کربلا را از تن جدا کنند و به همراه شمر و تنی چند از فرماندهان سپاه به کوفه، نزد ابن زیاد ببرند. (همو)

سید بن طاوس می نویسد:

آن گروه سر مقدس امام حسین علیه السلام و زنان و مردان اسیر آن حضرت را حرکت دادند. وقتی نزدیک دمشق رسیدند، ام کلثوم به شمر - که از آن گروه بود - فرمود: من به تو یک حاجت دارم. شمر گفت: چه حاجتی؟ فرمود: ما را از آن دری داخل شهر دمشق بکن که تماشاچیان کمتر باشند. دستور بده این سرهای بریده را از میان محمل های ما جلوتر ببرند و آنها را از ما دور بدارند. به راستی که ما از کثرت

نظر تماشاچیان رسوا شدیم؛ زیرا در یک چنین وضعی قرار گرفته‌ایم. ولی شمر به علت آن ظلم و کفری که داشت، دستور داد سرها را بر فراز نیزه‌ها زدند و در میان محمل‌ها تقسیم نمودند و ایشان را با آن وضع، به عمد از میان تماشاچیان عبور دادند. (ابن طاووس، ۱۴۱۷: ۵۴)

فرجام بد شمر

سرانجام مختار جمعی را به همراه غلام خود - زربی - در پی او فرستاد. شمر غلام مختار را کشت و به قریه‌ای به نام ساتید ماگریخت و از آن جا به قریه‌ای به نام کلتنیه - بین شوش و روستای صیمره - رفت و نامه‌ای برای مُصعب بن زبیر فرستاد که آماده جنگ با مختار بود؛ اما برخی از سپاهیان مختار، شمر را محاصره کردند و در حالی که یارانش گریخته بودند، او را کشتند و سرش را نزد مختار فرستادند و بدنش را پیش سگان انداختند. (بلاذری، ۱۹۹۷: ۶/۶۵)

نتیجه

شمر در جنگ صفین، همراه امام علی علیه السلام با معاویه جنگید و حتی مجروح شد؛ اما پس از آن، به سوء عاقبت دچار گردید و به هواداران معاویه پیوست. از مهم‌ترین عواملی که باعث بدفرجامی شمر شد، می‌توان به دنیاطلبی، ریاست‌خواهی و فرصت‌طلبی او اشاره کرد. البته تربیت ناصحیح و محیطی که شمر در آن رشد کرده بود نیز بی‌تأثیر نبود؛ چنان‌که امام حسین علیه السلام در واقعه کربلا، او را پسرزن بزچران خطاب کرده است.

شمر از جمله انسان‌هایی بود که تنها سود شخصی خود را دنبال می‌کرد و برای نیل به آن، از هیچ عملی روگردان نبود. دنیاطلبی شمر در سخنانش با امام حسین علیه السلام وقتی شفاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله را در آخرت نمی‌پذیرد و جایزه یزید را ترجیح می‌دهد، کاملاً نمایان است. شرارت و کینه‌توزی وی در اقدام به آتش زدن خیمه‌ها و همین‌طور، بی‌ادبی‌ها و زخم‌زبان‌هایش در حادثه عاشورا مسیر انحطاط او را که از جنگ صفین آغاز شده بود، به منتهای ضلالت و گمراهی رساند و نام او را در زمره شقی‌ترین انسان‌های تاریخ ثبت نمود.

منابع

- ابن عبد ربه، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، *العقد الفريد*، تحقيق: مفيد محمد قميه، بيروت، دارالعلميه.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ق)، *تاریخ مدینه دمشق*، تحقيق: علی شیري، بيروت، دارالفکر.
- آل یاسین، شیخ راضی (۱۴۱۰ق)، *صلح الحسن*، بيروت، منشورات الشریف الرضی، چاپ اول.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۲۰۰۰م)، *انساب الاشراف*، دمشق، چاپ محمود فردوس عظم.
- خصیبي، حسین بن حمدان (۱۳۷۷ش)، *هدایة الکبری*، بيروت، مؤسسه البلاغ.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۱۸ق)، *مقتل الحسین علیہ السلام*، تحقيق: محمد سماوی، قم، انوار الهدی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقيق: محمد أبو الفضل ابراهیم، بيروت، دار التراث، چاپ دوم.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۳۹۲ق)، *ینایع الموده لذوی القربی*، تحقيق: سید علی جمال اشرف، قم، منظمه الاوقاف والشئون الخیریه، دارالاسوه للطباعه والنشر.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۶ق)، *بحار الأنوار*، تحقيق وتصحيح: جمعی از محققان، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- محمد جواد، مغنیه (۱۴۲۱ق)، *الشیعة والحاكمون*، بيروت، دار الجواد.
- مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۹ش)، *الارشاد*، ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
- _____ (۱۴۱۳ق)، *الإختصاص*، تحقيق وتصحيح: علی اکبر غفاری و محرمی زرنندی، قم، بی نا.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۷۰ش)، *پیکار صفین (ترجمه وقعة صفین)*، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، ترجمه: پرویز اتابکی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ دوم.